

«زن و مطالعات خانواده»

سال پنجم - شماره بیستم - تابستان 1392

ص ص 105 - 122

تاریخ دریافت: 92/04/01

تاریخ پذیرش: 92/08/30

تبیین سطح تعارض زناشویی بر اساس هیجان خواهی و تاب آوری در زوجین

زهرا سادات مطهری^{*1}
سمانه بهزادپور²
دکتر فرامز سهرابی³

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش هیجان خواهی و تاب آوری در پیش بینی سطح تعارض زناشویی در زوجین انجام شد. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زوجین مراجعه کننده به خانه های سلامت منطقه 21 شهرداری تهران بودند. نمونه مورد مطالعه شامل 60 زوج (30 زن و 30 مرد) بودند که به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله انتخاب شدند. از مقیاس تاب آوری کونور و دیویدسون (2003)، پرسشنامه تعارض زناشویی ثنایی و براتی (1379) و مقیاس هیجان خواهی زاگرم (1978) برای جمع آوری داده ها استفاده شد. داده ها از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه، ضریب همبستگی پیرسون و t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که تاب آوری ($r=-0,687$) و هیجان خواهی ($r=-0,696$) با تعارض زناشویی ارتباط دارند. نتایج تحلیل واریانس چندگانه نشان داد که هیجان خواهی ($P<0,01$) و تاب آوری ($P<0,01$) 60 درصد از واریانس تعارض زناشویی در زوجین را تبیین می کند. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان داد که بین زنان و مردان تفاوت معناداری در سطح هیجان خواهی وجود دارد ($P<0,01$) و هیجان خواهی در مردان بیشتر از زنان است.

واژه های کلیدی: تعارض زناشویی، هیجان خواهی، تاب آوری

¹ - کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی - خانواده درمانی - نویسنده مسئول zahra_motahary@yahoo.com

² - کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

³ - دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، تهران - ایران

مقدمه

ازدواج یکی از مهمترین حوادثی است که در زندگی هر فردی رخ می‌دهد. انتخاب یک فرد به عنوان همسر، یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که هر شخصی در طول زندگی‌اش می‌گیرد. فردی که به عنوان شریک زندگی انتخاب می‌شود، تاثیر بسزایی بر سبک زندگی، رشد و شکوفایی اشخاص دارد. زندگی زناشویی یکی از جهانی‌ترین نهادهای بشری است که دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علائق مختلف و در یک کلام با شخصیت‌های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ¹ و گلدنبرگ، 2002).

تعارض زناشویی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آنها، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرح‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج ناشی است (فرحبخش، 1383). در واقع تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوجین به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان دهند که این تفاوت‌ها را می‌توان روی یک پیوستار، از تعارض خفیف تا تعارض کامل طبقه بندی کرد (یونگ و لانگ، 1998).

از نظر لید² (1996) همسرانی که دچار تعارض می‌شوند، در واقع زوجینی هستند که چیزی که یکی می‌خواهد، دیگری نمی‌خواهد. هرگاه این تعارض به صورت تعارض مخرب درآید رنجش و خصومت موجود، نسبت به شخص مخاطب، باعث کاهش اعتماد، اطمینان دوستی، همکاری و صمیمیت آنها می‌شود (رایس و فیلیپ³، 1996). از دیدگاه سکستون⁴ (1996؛ به نقل از قربانی، 1384) تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. تعارض همچنین از دیدگاه سیستمی، تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت است که در جهت حذف امتیاز دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند (براتی، 1375).

با توجه به این که رفتار هر فرد در خانواده دارای کنش آشکار و پنهان است و هر یک از این رفتارها می‌تواند در ایجاد تعادل و بهبود روابط خانوادگی، افزایش تحمل

¹ - Goldenberg

² - Liyd

³ - Rice & Phillip

⁴ - Sexton

اجتماعی و در نتیجه، سازمان یافتگی نظام اجتماعی موثر باشد، بنابراین شناخت ابعاد شخصیت زن و شوهر ضروری است. توافق یا عدم توافق در ویژگی های شخصیتی زن و شوهر در حکم عوامل اساسی تحکیم خانواده یا به عکس به منزله عوامل فروپاشی آن محسوب می شوند (کجیاف و همکاران، 1384). بنابراین یکی از عوامل تاثیرگذار در کیفیت و نوع روابط زناشویی، نوع شخصیت زوجین است. همچنین بررسی ها و تحقیقات نشانگر آنست که نوع ویژگیهای شخصیتی زوجین در نوع، میزان و ماهیت تعارضات آنان موثر می باشد به طوریکه در پژوهشی که توسط باربیز و دیجکتزا (2006) انجام شد نشان داد که بین تیپهای شخصیتی و تعارضات زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

طبق تحقیقات انجام شده، یکی از ویژگی های شخصیتی که می تواند بر روابط بین زوجین اثرگذار باشد، میزان هیجان خواهی آنهاست، (کجیاف و همکاران، 1384). در واقع هیجان خواهی به عنوان یک خصیصه شخصیتی در گستره هیجانی موضوعی بسیار ملاحظه پذیر در حیطه روابط زناشویی است که آثار مشهود و نتایج انکار ناپذیری بر روابط عاطفی میان دو فرد روشن کند که پیمان زناشویی می بندند.

زاکرمن¹ هیجان خواهی² را به این صورت تعریف می کند "میل به هیجانها و تجربیات متنوع، تازه، پیچیده و شدید و تمایل به مخاطره جویی بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر چنین تجربه ای" (زاکرمن 1994، به نقل از زاکرمن و کلمن 2000). هیجان خواهان دائماً در جست و جو، محرکهای جدید و تازه در محیط زندگی خود هستند و حاضرند آن را به بهای سنگین در معرض خطر قرار دادن حیثیت و اعتبار اجتماعی و حتی سلامتی جسمانی و حیات خود به دست آورند (شولتز و شولتز، 1386).

از آنجایی که هیجان خواهی نسبتاً ثابت است، زاکرمن به مردم پیشنهاد می کند که پیش از دست زدن به برخی انتخابها، سبک زندگی خود را در نظر بگیرند. مثلاً افرادی که هیجان خواهی بالایی دارند باید در انتخاب شغل دقت کنند، شخصی که در مقیاس هیجان خواهی نمره بالایی به دست می آورد، معلمی را خسته کننده تلقی خواهد کرد. کارهایی که به هیجان خواهی نیاز داشته باشد، مثل مسابقات اتومبیل رانی، مسلماً برای

¹ -Zuckerman

² - Sensation seeking

کسانی که در مقیاس هیجان‌خواهی نمره متوسط کسب می‌کنند جالب نخواهد بود (نریمانی و همکاران، 1384).

کارول و زاگرم (1982)، به نقل از اتکینسون و همکاران، 1983، ترجمه براهنی و همکاران، 1384) بیان نمودند که بین انسان‌ها از نظر میزان هیجان‌خواهی تفاوت‌های زیادی وجود دارد و این ویژگی در موقعیت‌های مختلف زندگی از همسانی برخوردار است. بدین معنی که اشخاصی که در یکی از قلمروهای زندگی در پی تجارب تازه هستند در سایر عرصه‌های زندگی نیز به عنوان اشخاصی ماجراجو توصیف می‌شوند.

کجیاف و همکاران (1384) در پژوهش خود نشان دادند که بین نمرات هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. بر این اساس هر اندازه میزان نمرات هیجان‌خواهی بالا باشد، میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. بنابراین، اگر زن یا شوهر، نمره بالایی در مقیاس هیجان‌خواهی و همسر نمره بسیار پایین داشته باشد، احتمال عدم توافق در زندگی زناشویی افزایش می‌یابد.

آندرهِیل¹ و همکاران (2008) نقش هیجان‌طلبی و صمیمیت در گرایش به خشونت جنسی در دانشجویان را بررسی کردند. نتایج نشان داد که هیجان‌طلبی بالا به همراه پایین بودن احساس صمیمیت نسبت به شرکای جنسی افزایش میزان خشونت جنسی را باعث می‌شود. علاوه بر این، فقدان روابط صمیمانه و عاطفی گرم با بزرگسالان دیگر به افزایش خشونت جنسی در آنها منجر می‌شود.

رید² و همکاران (2009) در پژوهش خود دریافتند که گرایش به مصرف مواد و خشونت جسمی و جنسی با هیجان‌خواهی ارتباط دارد. از آنجا که هیجان‌خواهی در افراد بسیار متفاوت است، به نظر می‌رسد که نظام شناختی و عاطفی هر فرد قاعدتاً بر پایه این خصیصه سازماندهی می‌شود. پس در ارتباط با دیگری باید نوعی تناسب نیز ملحوظ باشد تا بتوان دو فرد را یعنی دو شخصیت را هم‌افق تصور کرد. در این صورت باید همبستگی مهمی بین میزان هیجان‌خواهی زنان و مردانی که پیمان زناشویی می‌بندند وجود داشته باشد تا هر دو بتوانند در یک گستره و یک مسیر حرکت کنند. پس می‌توان انتظار داشت هیجان‌خواهانی که در سطح شدید هیجان‌خواهی قرار دارند تمایل داشته باشند با افرادی نظیر خود ازدواج کنند و همین گرایش نیز باید در هیجان‌خواهانی مشاهده شود که

¹ -Underhill

² - Reed

در سطح خفیف هیجان خواهی هستند، به عبارت دقیق تر، هم سازی زن و شوهر در این رگه را باید سبب دوام زندگی زناشویی آنها دانست و برعکس نابرابری سطح هیجان-خواهی زن و شوهر را منبع تعارض هایی از قبیل تفاوت در استفاده از اوقات فراغت، در همنشینی با دوستان، در انجام برنامه های مسافرت، در ابراز علاقه مندی ها فرهنگی و در نشان دادن بازخوردهایی در زمینه تربیت کودکان دانست که به ناراضامندی و فروپاشی زناشویی منجر گردد (کجیاف و همکاران، 1384). در واقع تعارض زناشویی را می توان به عنوان فرایندی در نظر گرفت که طی آن یکی از طرفین پی می برد که طرف مقابل او مسائل مورد علاقه او را سرکوب می کند (گریف و برونیه¹، 2000).

استورچ² (2006) در بررسی هایی درباره تمایلات هیجان خواهی در میان زنان و مردان متوجه شد مردان در هیجان خواهی ماجراجویی، تجربیات سخت زندگی، شرکت در ورزش های سنگین و سخت و مصرف داروهای غیر مجاز نمره بالاتری می گیرند (به نقل از کرمانی و دانش، 1390).

تعارض در هر رابطه صمیمی گریز ناپذیر است. تعارض در زندگی زناشویی نوعی شرایط استرس زا و تهدید کننده برای زوجین محسوب می شود. در این شرایط یکی از توانایی ها و مهارت هایی که می تواند به زوجین برای افزایش سازگاری و حل و فصل مشکلات کمک کند، تاب آوری³ است.

تاب آوری به قابلیت تطابق انسان در مواجه با بلایا یا فشارهای جانکاه، غلبه یافتن و حتی تقویت شدن بوسیله آن تجارب اطلاق می شود. این خصیصه با توانایی درونی شخص و مهارت های اجتماعی و تعامل با محیط حمایت می شود، توسعه می یابد و به عنوان یک ویژگی مثبت متبلور می گردد (دینر، لوکاس، شیمک و هلیول⁴ 2009). فردی که دارای تاب آوری است، چاره ساز و انعطاف پذیر بوده، مطابق تغییرات محیطی خود را وفق می دهد و بعد از بر طرف شدن عوامل فشارزا به سرعت به حالت بهبود باز می گردد (سیبرت⁵، 2007) به بیان دیگر تاب آوری، توانایی فردی، خانوادگی و اجتماعی برای مقابله و به حالت اول برگشتن در مقابله با موقعیت ها یا استرس های زندگی فلاکت بار

¹- Greef & Bruyne

²- Storch

³- Resilience

⁴- Diener, Lucas, Schimmack & Helliwell

⁵- Siebert

است که باعث افزایش توانایی برای پاسخ دادن به مصیبت‌های آینده و سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار می‌شود (ورنر¹، 1995) به اعتقاد ارک و همکاران² (2008) افرادی که دارای تاب آوری هستند، اغلب با ایجاد هیجانات مثبت پس از رویاروی‌های فشار زا به حالت طبیعی باز می‌گردند. افراد تاب آور بدون اینکه سلامت روانشان کاهش یابد و دچار بیماری روانی شوند، رویدادهای فشارزا را پشت سر می‌گذارد، همچنین به نظر می‌رسد در بعضی موارد با وجود تجارب سخت‌شان پیشرفت نیز کرده و کامیاب شده‌اند (واف و همکاران³ 2008) پژوهشگران بر این باورند که تاب آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است (ماستن⁴، 2001).

بلاک⁵ تاب آوری را به عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت برای فهم انگیزش، هیجان و رفتار می‌داند (بلاک، 2002). نظریه‌های جاری، تاب آوری را به عنوان سازه چند بعدی در نظر می‌گیرد که شامل متغیرهای سرشتی مانند خلق و شخصیت است و در کنار مهارت‌های خاص به شخص اجازه می‌دهد به خوبی با حوادث آسیب‌زای زندگی مقابله کنند (کمبل سیلز و همکاران⁶، 2006).

کانر و دیویدسون⁷ (2003) معتقدند، تاب آوری توانایی فرد در برقراری تعادل زیستی- روانی در شرایط خطرناک است. افراد تاب‌آور، نسبت به موقعیت، آگاه و هشیارند، احساسات و هیجان‌های خود را می‌شناسند، بنابراین از علت این احساسات نیز باخبرند و هیجان‌های خود را به شیوه سالم مدیریت می‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های فردی مؤثر در تاب آوری، توانایی ایجاد خودنظم‌دهی یا خودکنترلی است. در مجموع، ویژگی‌های شخصیتی هم چون خودپنداره مثبت، اجتماعی بودن، هوش، کفایت در کار آموزشی، خودمختاری، عزت نفس، ارتباطات خوب، مهارت‌های حل مسئله و سلامت روانی و جسمانی، از جمله عوامل مؤثر بر افزایش

¹- Werner

²- Arce.E & etal

³- Waugh & etal

⁴- Masten

⁵- Block m,

⁶- Campbell-Sills & etal

⁷- Connor & Davidson

تاب آوری در فرد به شمار می‌رود (بانانو¹ 2004؛ کمپیل-سیلز، کوهن و استاین² 2006؛ گا و دی³، 2007؛ وسلسکا⁴ و همکاران، 2009).

کاربونل و همکاران⁵ (1998) نشان دادند که جوانان دارای تاب آوری سطوح بالای انسجام خانوادگی، ارتباطات بهتر و مشکلات کم در عملکرد خانواده را گزارش کردند، اما گروهی که دارای تاب آوری پایین بودند مسائل و مشکلات بیشتری را در ارتباطات خانوادگی گزارش کردند.

ورنر و اسمیت⁶ (1992) اظهار می‌دارند تاب آوری می‌تواند با افزایش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی تقویت گردد (به نقل از محمدی، 1384).

سامانی، جوکار و صحراگر (1386) بین تاب آوری و رضایتمندی از زندگی ارتباط مستقیم و معنادار گزارش نمودند.

تاب آوری می‌تواند سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط استرس‌زا تعدیل نموده و باعث افزایش رضایت از زندگی گردد (بنارد⁷، 1995). کامپفر⁸ (1999) باور داشت که تاب آوری، بازگشت به تعادل اولیه⁹ یا رسیدن به تعادل سطح بالاتر (در شرایط تهدیدکننده) است و از این رو سازگاری موفق در زندگی را فراهم می‌کند.

پژوهشی که شاین، سیم و کیم (2004) بر روی تاب آوری و کیفیت زندگی انجام داده‌اند؛ نشان می‌دهد که افزایش تاب آوری می‌تواند موجب بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی می‌گردد (به نقل از کربلایی شیری فرد، 1385).

بروز تعارض زناشویی یکی از مقدمات جدایی و طلاق می‌باشد و اگر این مساله به گونه‌ای حل و کنترل نشود ازدواج به جدایی ختم می‌شود، روان شناسان و مشاوران باید درصد ارائه راه کارهایی جهت درمان آن باشند و از طریق مشاوره های قبل از ازدواج آگاهی‌های لازم به منظور شناخت هر چه بیشتر افراد نسبت به خصوصیات شخصیتی یکدیگر، به آنها داده شود تا در آینده از بروز اختلافات زناشویی جلوگیری به عمل آید. با

¹ - Bonanno

² - Campbell-Sills, Cohan & Stein

³ - Gu & Day

⁴ - Veselska

⁵ - Carbonell & etal

⁶ - Smit

⁷ - Benard

⁸ - Kumpfer

⁹ - baseline homeostasis

توجه به موارد مطرح شده، هدف این پژوهش پیش‌بینی نقش هیجان خواهی و تاب‌آوری در بروز تعارض زناشویی می‌باشد.

فرض اساسی این پژوهش این است که هیجان‌خواهی و تاب‌آوری با میزان بروز تعارضات زناشویی ارتباط دارد. فرض دیگر پژوهش این است که بین دو گروه زنان و مردان از نظر تأثیر متقابل متغیرها اختلاف وجود دارد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت این پژوهش، از روش توصیفی و از نوع همبستگی استفاده شده است. جامعه این پژوهش شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به خانه‌های سلامت منطقه 21 شهرداری شهر تهران می‌باشد. نمونه شامل 30 زوج است. از آنجایی که حداقل شش ماه فرصت لازم است تا تعارضات زوجین بروز پیدا کنند، شرط ورود آزمودنی‌ها به تحقیق این بود که دست کم شش ماه از ازدواج شان گذشته باشد. نمونه‌گیری به این صورت انجام گرفت که نخست از بین 22 منطقه شهرداری شهر تهران، منطقه 21 به صورت در دسترس انتخاب شد و از بین 17 محله در منطقه 21، 7 محله به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شده است.:

1) پرسشنامه تعارض زناشویی: یک ابزار 42 سوالی است که برای سنجیدن تعارض زناشویی بر مبنای تجربیات بالینی که توسط ثنائی و براتی (1379) ساخته شده است. کسانی که نمره خام آنها در دامنه 70 تا 114 قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین 40 تا 60) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آنها در دامنه 115 تا 134 قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T 60 تا 70) دارای تعارض بیش از حد بهنجار و نمره خام 235 و بالاتر (معادل نمره استاندارد T بالاتر از 70) دارای تعارض شدید و یا روابط شدیداً آسیب پذیر هستند. پاسخ سؤالات براساس طیف لیکرت بود که به صورت هرگز، بندرت، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه بود که بصورت 1 تا 5 نمره گذاری گردید و در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنای رابطه‌ی بهتر بود و آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه بر روی گروه 32 نفری (اولین پژوهش) برابر با 0/53 بود که طی ارزیابی مجدد روی گروه 60 نفری 0/92 بدست آمد. همچنین

روایی سازه آزمون با مقیاس سازگاری زناشویی اسپانی 0/67- گزارش شده است (حسن شاهی و همکاران، 1387).

2) مقیاس هیجان خواهی: به منظور جمع آوری اطلاعات در مورد هیجان خواهی آزمودنی‌ها از مقیاس هیجان خواهی زاگرمین استفاده شد. این مقیاس، شکل خلاصه شده‌ای از فرم چهارم مقیاس هیجان خواهی ماروین زاگرمین است که در سال 1978 تهیه و تدارک گردیده است. ماده های این مقیاس از 40 ماده که به صورت سوالهای دو جزئی تشکیل شده که اجزای هر ماده آزمون با دو جزء «الف» و «ب» از هم مجزا و مشخص می‌شوند، به طوری که آزمودنی‌ها می‌توانند به یک جزء از هر ماده پاسخ دهند.

رضازاده (1370؛ به نقل از گدازنده، 1378) روایی این مقیاس را 0/86 گزارش کرد. علاوه بر این، گدازنده (1378) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برابر 0/85 گزارش می‌کند. همچنین مهرابی و همکاران (1389) در پژوهش خود پایایی آزمون را از روش آلفای کرونباخ، 0/94 به دست آوردند.

3) پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون که 25 گویه دارد و در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس در ایران توسط محمدی (1384) هنجاریابی شده است.

برای تعیین روایی این مقیاس نخست همبستگی هر نمره با نمره کل به جز گویه 3، ضریب های بین 0/41 تا 0/64 را نشان داد. سپس گویه های مقیاس به روش مؤلفه‌های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. برای تعیین پایایی مقیاس خود تاب آوری کونور و دیویدسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی 0/89 به دست آمد (محمدی، 1384).

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات به خانه‌های سلامت مورد نظر مراجعه شد، از بین زوجین مراجعه کننده طول مدت ازدواج آنها سوال شد و پس از اطمینان از این که شرط مورد نظر را دارا هستند، هدف پژوهش برای آنها توضیح داده شد و از آنها خواسته شد که پرسش نامه های تحقیق را با دقت تکمیل نمایند و سؤال ها را تا حد

امکان بی‌جواب نگذارند. سرانجام داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های رگرسیون چندگانه، T برای گروه‌های مستقل و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته‌ها

نتایج مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین سنی افراد نمونه 34/3 و تحصیلات 10 درصد آنها سیکل، 31 درصد دیپلم، 35 درصد فوق دیپلم، 20 درصد لیسانس و 4 درصد آزمودنی نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. همچنین میانگین مدت ازدواج افراد نمونه 13/79 بود.

میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌های در متغیرهای پژوهش در جدول 1 آمده است بررسی وضعیت توصیفی داده‌ها نشان داد که میانگین نمرات آزمودنی‌ها در تعارض زناشویی 100/65، در تاب‌آوری 63/65 و در هیجان‌خواهی 15/18 می‌باشد.

جدول 1. آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف استاندارد
تعارض زناشویی	100/65	21/254
تاب‌آوری	63/65	16/697
هیجان‌خواهی	15/18	7/049

جدول 2 ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد همانطور که ملاحظه می‌شود بین تاب‌آوری و تعارض زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد ($r=-0/687$). بین هیجان‌خواهی و تعارض زناشویی نیز رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($r=0/696$) و این ضرایب در سطح 0/01 معنادار است.

جدول 2: ضریب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه با تعارض زناشویی

تعارض زناشویی	
تاب‌آوری	-0/687
هیجان‌خواهی	0/696

برای بررسی معناداری مدل رگرسیون از تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد. با توجه به نتایج جدول 3، و میزان F مشاهده شده، رگرسیون متغیر ملاک تعارض زناشویی از روی متغیرهای تاب آوری و هیجان خواهی در سطح 0/01 معنادار است. به عبارت دیگر این متغیرها بخشی از واریانس تعارض زناشویی را تبیین می کنند.

جدول 3. شاخصهای تحلیل واریانس یکراهه (ANOVA) جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
0,001	41,990	7938,012	2	15876,023	رگرسیون
		189,046	57	10775,627	باقیمانده
			59	26651,650	کل

جدول 4. آماره‌های خلاصه مدل رگرسیون به روش ورود

شاخص مدل	همبستگی (R)	مجذور همبستگی (R ²)	مجذور همبستگی تعدیل شده	انحراف استاندارد برآورد
1	0,772	0,596	0,581	13,749

با توجه به جدول 4 و شاخص آماری مجذور همبستگی ($R^2 = 0,596$) میتوان نتیجه گرفت که متغیرهای پیش‌بین (تاب آوری و هیجان خواهی) حدود 60 درصد از تعارض زناشویی زوجین را تعیین می کند.

همان گونه که در جدول (5) مشاهده می شود و با توجه به مقدار Beta هیجان خواهی به طور مثبت ($Beta = 0,442$) و تاب آوری ($Beta = -0,419$) به طور منفی تعارض زناشویی را پیش بینی می کنند.

جدول 5. شاخص های تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مقدار ثابت
		Beta	B	
0,000	9,333		12,251	114,345
0,000	-3,965	-0,419	0,135	-0,534
0,000	4,186	0,442	0,319	1,335

در جدول (6) تفاوت میانگین زنان و مردان در متغیرهای تعارض زناشویی، تاب‌آوری و هیجان خواهی مشاهده می‌شود.

جدول 6: نتایج آماری تفاوت میانگین تعارض زناشویی، هیجان خواهی و تاب‌آوری در آزمودنی های زن و مرد

آزمون برابری میانگین ها				آزمون لوین برای بررسی برابری واریانسها		مقیاس	تفاوت میانگینها	سطح معناداری	ضریب f	فرض برابری واریانسها	فرض عدم برابری واریانسها
تفاوت	سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش t	میانگین	گروه ها						
5,663	0,309	58	1,027	103,47	مرد	زناشویی تعارض	5,663	0,309	57,588	1,027	97,83
5,663	0,309	57,588	1,027	97,83	زن						
6	0,001	58	3,657	18,27	مرد	هیجان خواهی	6	0,001	58	3,657	12,27
6	0,001	58	3,657	12,27	زن						
-3,100	0,477	58	0,716	62,10	مرد	تاب آوری	-3,100	0,477	54,912	0,716	65,20
-3,100	0,285	54,912	0,716	65,20	زن						

در مورد متغیر تعارض زناشویی قبل از استفاده از آزمون پارامتریک t مستقل پیش فرض همگنی واریانس ها با آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. همان گونه که در جدول (6) آمده است، در آزمون لوین، به دلیل اینکه سطح معناداری بیشتر از 0/01 است ($0/308 > 0/01$) می توان فرض صفر مبنی بر یکسان بودن واریانس ها را تأیید نمود. با توجه به نتیجه فوق و تأیید شدن برابری واریانس ها می توان از آزمون t مستقل استفاده شود که در آن تساوی واریانس ها فرض می شود.

همچنین با توجه به شاخص های آمار استنباطی جدول 6، بین زنان و مردان از نظر سطح تعارض زناشویی تفاوت معنادار وجود ندارد ($p > 0,05$).

در متغیر هیجان خواهی نیز در آزمون لوین، به دلیل اینکه سطح معناداری بیشتر از 0/01 است ($0/963 > 0/01$) می توان فرض صفر مبنی بر یکسان بودن واریانس ها را تأیید نمود. با توجه به نتیجه فوق و تأیید شدن برابری واریانس ها باید از آزمون t دو نمونه ای استفاده شود که در آن تساوی واریانس ها فرض می شود. با توجه به آماره t،

بین دو گروه از نظر این متغیر تفاوت معنادار وجود دارد به طوری که هیجان خواهی در مردان بیشتر از زنان است.

در متغیر تاب آوری نیز با توجه به آزمون لوین برابری واریانس ها فرض می شود و با توجه به شاخص های استنباطی آزمون t ، مشاهده می شود که بین دو گروه از نظر این متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی نقش هیجان خواهی و تاب آوری در بروز تعارض زناشویی در زوجین مراجعه کننده به خانه های سلامت منطقه 21 شهرداری شهر تهران انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که هیجان خواهی و تاب آوری می توانند تعارض زناشویی را پیش بینی کنند. همچنین این پژوهش نشان داد که بین هیجان خواهی و تعارض زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. همان طور که در جدول (1) نشان داده شده است بین هیجان خواهی و تعارض زناشویی در سطح $0/01$ رابطه معناداری وجود دارد یعنی با ضریب اطمینان 99 درصد می توان گفت که بین هیجان خواهی و تعارض رابطه مثبت معنادار، وجود دارد یعنی هرچه هیجان خواهی در زوجین بیشتر باشد، تعارض آنها نیز بیشتر خواهد شد. و با توجه به جدول (5) می توان گفت که هیجان خواهی می تواند به طور مثبت و معناداری، تعارض زناشویی را پیش بینی کند. این نتایج با نتایج پژوهش سرآبادانی (1382) مبنی بر این که مشکلات زناشویی تا حد زیادی از میزان هیجان خواهی زوجین تاثیر می پذیرد، همخوانی دارد و همچنین با پژوهش های کجباف و همکاران (1384)؛ آندرهیل و همکاران (2008) و رید و همکاران (2009) نیز همسو می باشد. این نتیجه را می توان چنین تبیین کرد که اگر یکی از زوجین نمره بسیار بالایی در مقیاس هیجان خواهی داشته باشد و دیگری نمره بسیار پایین، احتمال عدم توافق در زندگی زناشویی و تعارض، افزایش می یابد. و نیز می توان این گونه تبیین کرد که هیجان خواهی بالا، ماجراجویی و ریسک بیشتر و همچنین تنوع طلبی را به دنبال دارد در حالی که زندگی زناشویی مستلزم ثبات و آرامش نسبی است.

نتایج مربوط به سازه تاب آوری نشان داد که بین تاب آوری و تعارض زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. همان طور که در جدول (1) نشان داده شده است بین تاب آوری و تعارض زناشویی در سطح $0/01$ رابطه معنادار منفی وجود دارد یعنی هرچه تاب آوری در

زوجین بیشتر باشد، تعارض آنها نیز کمتر خواهد شد. و با توجه به جدول 5 می‌توان گفت که تاب‌آوری می‌تواند به طور منفی و معناداری، تعارض زناشویی را پیش‌بینی کند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های سامانی، جوکار و صحراگر (1386): کاربونل و همکاران (1998): ورنر و اسمیت (1992): بنارد (1995) و شاین، سیم کیم (2004) همخوان است. از آنجایی که تاب‌آوری نوعی مصون سازی در برابر شرایط تهدیدزا تلقی می‌گردد و می‌تواند توانش اجتماعی فرد را در هنگام مشکلات بهبود بخشد (هندرسون، 1996) و تعارض زناشویی نیز نوعی شرایط تهدیدزا تلقی می‌شود، زوجینی که دارای تاب‌آوری بالا هستند بهتر می‌توانند بر مشکلات شان غلبه کنند و در نتیجه اجازه نمی‌دهند تعارض و اختلاف آنها به سطوح بالا برسد.

با توجه به جدول (6) بین زنان و مردان از نظر سطح تعارض زناشویی و تاب‌آوری تفاوت معنادار وجود ندارد اما بین این دو گروه از نظر میزان هیجان‌خواهی تفاوت معنادار وجود دارد به طوری که هیجان‌خواهی در مردان بیشتر از زنان است که با پژوهش‌های سرآبادانی (1382): کجباف و همکاران (1384): زاگرم (1979) و استورج (2006) همسو است. به طور کلی می‌توان گفت پرورش توانمندی‌هایی از قبیل تاب‌آوری می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی نقش مؤثری داشته باشد.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق این است که این پژوهش فقط مربوط به زوجین شهر تهران می‌باشد و گروه نمونه محدود به زوجین ساکن منطقه 21 شهر تهران است. از این رو باید در تعمیم یافته‌ها محتاط بود. همچنین پیشنهاد می‌شود هماهنگی برخی صفات شخصیتی نظیر هیجان‌خواهی در زوجین و آموزش تاب‌آوری به منظور پیشگیری از بروز تعارضات زناشویی در هنگام مشاوره‌های پیش از ازدواج بیشتر مدنظر قرار گیرد.

منابع:

- اتکینسون، ریتا ال؛ اتکینسون، ریچارد سی؛ اسمیت، ادوارد ای؛ بلم، داریل ج؛ هوکسما، سوزان نولن (1983)، زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه برهانی، محمدنقی و همکاران. تهران: رشد 1384.
- براتی، ط (1375)، تاثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن
- ثنایی، باقر؛ براتی، طاهره (1379)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، انتشارات بعثت.
- حسن شاهی، محبوبه؛ ابوالقاسم نوری و حسین مولوی (1387)، بررسی رابطه کانون کنترل با سازگاری زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش (دبیران) شهرستان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام؛ صحراگر، نرگس (1386)، تاب آوری، سلامت روان و رضایت از زندگی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره 3، 290-295
- سرآبادانی، زهرا (1382)، نقش هیجان خواهی در بروز تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی الن (1386)، نظریه‌های شخصیت (ویراست هشتم)، ترجمه: یحیی سید محمدی، (2005)، تهران: نشر ویرایش.
- فرحبخش، ک (1383)، مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی ایس، واقعیت درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارضات زناشویی. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- قربانی، ک (1384)، تاثیر زوج درمانی به شیوه درمان عقلانی-هیجانی رفتاری بر تعارضات و افکار غیرمنطقی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- کجیاف، محمدباقر، حمید طاهر نشاط دوست و قاسم خالویی (1384)، بررسی رابطه بین هیجان خواهی و میزان رضایت زناشویی، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، شماره 10
- کربلایی شیری فرد، ر (1385)، ساخت و هنجاریابی پرسشنامه ای برای اندازه گیری کیفیت زندگی خانواده هایی با فرزند کم توان ذهنی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته سنجش و اندازه گیری. دانشگاه علامه. پایان نامه چاپ نشده. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

- کرمانی، زهرا؛ دانش، عصمت (1390)، تاثیر نگرش مذهبی و هیجان خواهی بر سازگاری زناشویی دبیران متاهل شهرستان پاکدشت. مطالعات روانشناختی، 2. 7. 129-154.
- گدازنده، مهناز (1378)، مقایسه میزان هیجان خواهی بین مجرمان با تعداد موارد محکومیت و نوع جرم در زنان 20-35 ساله زندانی در بند نسوان زندان اوین شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- نریمانی، محمد؛ غفاری، مظفر؛ گنجی، مسعود و ابوالقاسمی، عباس (1384)، مقایسه خود پایی و هیجان خواهی در ورزشکاران حرفه ای و غیر حرفه ای. پژوهش در علوم ورزش، 3 (9). 137-149.
- محمدی، مسعود (1384)، بررسی عوامل موثر بر تاب آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد. پایان نامه دکتری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- محمدی، مسعود؛ علیرضا، جزایری؛ میرحسین، رفیعی؛ بهرام، جوکار؛ عباس، پورشهناز (1384)، بررسی عوامل مؤثر بر تاب آوری در افراد در معرض سوء مصرف مواد مخدر. فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره 3 و 2، تابستان و پاییز 1384.
- مهرابی، حسینعلی. کجباف، محمدباقر. مجاهد، عزیزالله (1389)، پیش بینی رفتارهای پرخطر بر اساس هیجان خواهی و عوامل جمعیت شناختی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. مطالعات روانشناختی. 6. 2. 141-158.

- Arce. E, Simmons. A.W., Winkielman. P., stein. M.B., Hitckock. C. paulus. M. P. (2008), Association between individual differences in self- reported emotional resilience and the affective-perception of neutral faces. Journal of Affective Disorders. 222-210, 25.
- Barwlds, D. P. H., Barelds-Dijkstra, P., (2006), Partner personality in Distressed Relation Ships, Clinical Psychology and Psychotherapy. 13: 392 – 396.
- Benard, B. (1995), Fostering Resilience in Children. Council for Exceptional Children.
- Block, J. (2002), Personality as an affect-processing system. Mahwah, NJ: Erlbaum.

- Bonanno, A. G. (2004), "Loss, trauma, and human resilience". *American Psychologist*, 59, PP: 20-28.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. L., & Stein, M. B. (2006), "Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults". *Behaviour Research and Therapy*, 44, PP: 585-599.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S.L., & Stein, M. (2006), Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adult, *Behaviour Research and Therapy*, 44(4): 585-599.
- Connor, K. M., Davidson, J. R. (2003), Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety*; 18:76-82.
- Carbonell, D. M., Reinherz, H. z., & Giaconia, R. M. (1998), Risk and resilience in late adolescence. *Child and adolescent Social Work Journal*, 15(4), 251-272.
- Diener, E., Lucas, R., Schimmack, U., & Helliwell, J.(2009), *Well-being for Public Policy*. New York: Oxford University Press
- Goldenberg, I.d & Goldenberg, H. (2002), *Family Therapy: An overview*. Canada: Thomson Learning
- Greef, A & Bruyne, T, (2000), Conflict management style and marital satisfaction. *journal of sex and marital therapy*, 26 , 321 - 334002E
- GU, Q. & Day, C. (2007), "Teacher's resilience: A necessary condition for effectiveness". *Teaching and Teacher Education*, 23, PP: 1302-1316.
- Henderson, L. (1996), Instructional design of interactive multimedia: A cultural critique. *Educational Technology Research and Development*, 44(4), 85-104.
- Kumpfer, K. L. (1999), Factor and processes contributing to resilience: The resilience framework. In: M. D. Glantz & J. L. Johnson (Eds.), *Resilience and development* (pp. 179-224). New York: Kluwer Academic Publishers.
- Liyd, L. (1996), *Individual Marriage and Family*. Wads worth. Publication. Co.

-
- Masten, A. S. (2001), Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychology*, 56, 227-238.
 - Reed, E, Amaro, H, Matsumoto, A, & Kaysen, D, (2009), The relation between interpersonal violence and substance use among a sample of university students: Examination of the role of victim and perpetrator substance use, *Addictive Behaviors*, Vol. 34, (3); pg. 316
 - Rice, F. & Phillip, G (1996), *Intimate Relationships, Marriages and Family*. California: Cole.
 - Siebert. Al. (2007), *How to Develop Resiliency Strengths*. Available: www.resiliencycenter.com
 - Storch, M, (2006), Piercings are a girls best friend ? Body art study shows gender preferences, *Uf New. Now*, 30.
 - Veselska, Z., Geckova, A. M., Orosova, O., Gajdosova, B., Dijk, G. P., & Reijneveld, S. A. (2009), "Self-esteem and resilience: The connection with risky behavior among adolescents". *Addictive Behaviors*, 34, PP: 287-291.
 - Underhill, J, Wakeling, H. C, Mann, R. E & Webster. S. D, (2008), *Male Sexual Offenders' Emotional Openness with Men and Women*, *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 35,(9); pg 1156.
 - Waugh. C.E. Fredrickson. B.L. Taylor, S.F.(2008), *Adapting to Lifeslings and Arrows: Individual differences in resilience when recovering from an anticipated threat: journal of Research in personality*.
 - Wener, E.E. (1995), *Resilience in development. Current Directions in Psychological Science*, 4(3), 81-85.
 - Young, E. M., & Long, L. (1998), *Counseling and Therapy for Couples*. New York: Intonation Thomson publishing company.
 - Zuckerman, Marvin, Kuhlman, D. Michael. (2000), *Personality and Risk-Taking: common biosocial factors. Journal of personality*, 68(6) 999-1029.